





دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبانشناسی
همگانی

بررسی گونه های ادب و احترام در میان فارسی زبانان شهر مشهد

استادان راهنما:

سرکار خانم دکتر شهلا شریفی

سرکار خانم دکتر اعظم استاجی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا زمردیان

نگارش:

سمیه نخعی

شهریور ۱۳۸۹

تعهد نامه

اینجانب **سمیه نخعی** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه بررسی گونه های ادب و احترام در میان فارسی زبانان شهر مشهد تحت راهنمایی دکتر شهلا شریفی و دکتر اعظم استاجی متعهد می شوم:

*تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.

*در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.

*مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.

*کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «**Ferdowsi University of Mashhad**» به چاپ خواهد رسید.

*حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.

*در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.

*در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

مالکیت نتایج و حق نشر

*کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می-باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

*استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

*متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه‌های تکثیر شده وجود داشته باشد.



بسمه تعالی

مشخصات رساله / پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله / پایان نامه : بررسی گونه های ادب و احترام در میان فارسی زبانان شهر مشهد		
نام نویسنده : سمیه نخعی		
نام استاد(ان) راهنما: سرکار خانم شهلا شریفی و سرکار خانم اعظم استاجی		
نام استاد(ان) مشاور: جناب آقای رضا زمردیان		
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	گروه: زبانشناسی	رشته تحصیلی: زبانشناسی
تاریخ تصویب:		تاریخ دفاع: ۳۱ - ۰۶ - ۱۳۸۹
کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی: دکتری	تعداد صفحات: ۱۴۹
چکیده رساله / پایان نامه :		
<p>منظور از ادب این است که به دیگران نشان داده شود که به احساسات و نیازهایشان توجه می شود. در واقع "ادب" شخصیت افراد را در جامعه نشان می دهد و برای افراد یک جامعه "ادب" مایه ی سربلندی، افتخار و آرامش خاطر است. آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد، "نمود زبانی ادب" است که در موقعیتهای گوناگون، متفاوت جلوه می کند. با توجه به تدبیرهای ادب برون و لوینسون (۱۹۸۷) ، این پژوهش در پی بررسی آن دسته از اصول و تدبیر های ادب است که در زبان فارسی گونه ی مشهدی کاربرد بیشتری دارد. با توجه به بررسی های انجام شده در این پژوهش و با توجه به تعداد نمونه های جمع آوری شده، به لحاظ آماری مشخص شد که تدبیر ادب مثبت در زبان فارسی گونه ی مشهدی کاربرد بیشتری نسبت به تدبیر های دیگر ادب دارد.</p>		
کلید واژه :	امضای استاد راهنما :	تاریخ :
۱. ادب ۲. تدبیر های ادب ۳. تدبیر ادب مثبت ۴. تدبیر ادب منفی ۵. وجهه		



In the name of Allah

Graduate studies thesis\Dissertation Information

Ferdowsi University of Mashhad

Title of thesis \dissertation:

"A Survey on Kinds of Politeness and respect between Persian speakers in Mashhad".

Author: Somayyeh Nakhaei

Supervisor(s): Dr. Shahla Sharifi and Dr. Azam Estaji

Advisor(s): Dr. Reza Zomorrodian

Faculty: Faculty of Letters and Humanities

Department: Linguistics

Specialization:

Approval date: 1387

Defense date: 31- 06 - 1389

PhD **M.S. ✓**

Number of pages: 149

Abstract:

The meaning of Politeness is to consider to others. In fact "Politeness" show the character of people in society. Also "politeness" is a credit to society. "Linguistic appearance of politeness" display different in various situation. In regard to Brown and Levinson's strategies (1987), this research consider those strategies of politeness that have more application between Persian speakers in Mashhad. Consider to studies in this Work, for purposes of statistical ascertain that positive strategy as compared to other strategies apply more.

Signature of supervisor:

Date: 31- 6 - 1389

. Key words:

- 1- Politeness
- 2- Politeness Strategies
- 3- Positive Politeness Strategies
- 4- Negative Politeness Strategies
- 5- Face

فهرست

صفحه	عنوان	ردیف
۵		ف
۱۴	فصل اول: کلیات	۱
۱۵	۱-۱- مقدمه	۲
۱۶	۲-۱- معنی علم ادب و انواع آن	۳
۱۸	۳-۱- امام علی (ع) و مفهوم ادب	۴
۱۸	۴-۱- تعریف ادب از دیدگاههای مختلف	۵
۱۸	۱-۴-۱- تعریف ادب از دیدگاه زبان‌شناسی	۶
۱۹	۲-۴-۱- تعریف ادب از دیدگاه سنتی	۷
۱۹	۳-۴-۱- تعریف ادب با رویکرد گفتاری و کرداری	۸
۲۰	۴-۴-۱- تعریف ادب در آثار اسلامی	۹
۲۱	۵-۴-۱- تعریف ادب از دیدگاه های افراد دیگر	۱۰
۲۳	۵-۱- طرح مسئله ی پژوهش	۱۱
۲۴	۶-۱- فرضیات پژوهش	۱۲
۲۴	۷-۱- اهداف پژوهش	۱۳
۲۴	۸-۱- روش جمع آوری داده ها	۱۴
۲۵	۹-۱- محدودیت های پژوهش	۱۵
۲۵	۱۰-۱- کلید واژه ها	۱۶
۲۶	۱۱-۱- ساختار کلی پژوهش	۱۷

۲۷	فصل دوم: مروری بر پیشینه ی پژوهش و مفاهیم نظری ادب	۱۸
۲۸	۱-۲- مقدمه	۱۹
۲۹	۲-۲- رفتار و زبان مؤدبانه	۲۰
۳۱	۱-۲-۲- ادب و جامعه	۲۱
۳۲	۲-۲-۲- ادب و تعارف	۲۲
۳۳	۳-۲-۲- ادب و تواضع	۲۳
۳۴	۴-۲-۲- ادب و احترام	۲۴
۳۶	۵-۲-۲- ادب و فاصله ی اجتماعی	۲۵
۳۸	۳-۲- بررسی ادب از سه بعد متفاوت	۲۶
۳۹	۴-۲- مفهوم ادب و وجهه	۲۷
۴۰	۱-۴-۲- وجهه مثبت و منفی	۲۸
۴۱	۲-۴-۲- نقد مفهوم وجهه از نظر برون و لوینسون	۲۹
۴۲	۳-۴-۲- وجهه خواسته ها	۳۰
۴۲	۴-۴-۲- کنشهای تهدیدکننده ی وجهه	۳۱
۴۳	۱-۴-۴-۲- گستاخی به عنوان کنش تهدید کننده ی وجهه	۳۲
۴۳	۲-۴-۴-۲- شکایت مستقیم به عنوان تهدید کننده ی وجهه	۳۳
۴۶	۵-۴-۲- پنج تدبیر برون و لوینسون برای رفع کنش تهدید کننده ی وجهه	۳۴
۴۶	۱-۵-۴-۲- بیان غیر مستقیم	۳۵
۴۸	۲-۵-۴-۲- بیان مستقیم	۳۶

۴۹	۲-۴-۵-۳- ادب مثبت	۳۷
۵۰	۲-۴-۵-۴- ادب منفی	۳۸
۵۰	۲-۴-۵-۵- انجام ندادن کنشهای تهدید کننده	۳۹
۵۱	۲-۴-۶- نقد نظریه ی برون و لوینسون (۱۹۸۷)	۴۰
۵۲	۲-۴-۷- چهار تدبیر واکر برای جلوگیری از تهدید وجهه	۴۱
۵۲	۲-۴-۷-۱- تدبیر مستقیم	۴۲
۵۲	۲-۴-۷-۲- تدبیر موافقت	۴۳
۵۲	۲-۴-۷-۳- تدبیر استقلال طلبی	۴۴
۵۳	۲-۴-۷-۴- تدبیر غیر مستقیم	۴۵
۵۴	۲-۵- تفاوت تدبیرهای ادب از دیدگاه مخاطب	۴۶
۵۵	۲-۶- اصول ادب از نظر لیچ (۱۹۸۳)	۴۷
۵۵	۲-۶-۱- اصل تدبیر	۴۸
۵۶	۲-۶-۲- اصل سخاوت	۴۹
۵۶	۲-۶-۳- اصل تحسین	۵۰
۵۶	۲-۶-۴- اصل تواضع	۵۱
۵۷	۲-۶-۵- اصل موافقت	۵۲
۵۷	۲-۶-۶- اصل همدردی	۵۳
۵۸	۲-۷- نقد نظریه لیچ	۵۴
۵۹	۲-۸- گزینش سبک های متفاوت ادبی در کاربرد زبان	۵۵

۶۲	۹-۲- بررسی پیشینه ی تحقیق	۵۶
۶۲	۱-۹-۲- تحقیقات فارسی	۵۷
۷۰	۲-۹-۲- تحقیقات خارجی	۵۸
۷۴	فصل سوم: تجزیه و تحلیل داده ها	۵۹
۷۵	۱-۳- مقدمه	۶۰
۷۶	۲-۳- تدبیر های ادب برون و لوینسون (۱۹۸۷)	۶۱
۷۶	۱-۲-۳- تدبیر ادب مثبت	۶۲
۱۰۰	۲-۲-۳- تدبیر ادب منفی	۶۳
۱۱۴	۳-۲-۳- تدبیر بیان غیر مستقیم	۶۴
۱۲۲	۴-۲-۳- تدبیر بیان مستقیم	۶۵
۱۲۶	۵-۲-۳- تدبیر انجام ندادن کنش تهدید کننده ی وجهه	۶۶
۱۳۱	فصل چهارم: خلاصه و نتیجه گیری	۶۷
۱۳۲	۱-۴- مقدمه	۶۸
۱۳۳	۲-۴- تدبیر ادب مثبت	۶۹
۱۳۴	۳-۴- تدبیر ادب منفی	۷۰
۱۳۵	۴-۴- تدبیر بیان غیر مستقیم	۷۱
۱۳۶	۵-۴- تدبیر بیان مستقیم	۷۲
۱۳۷	۶-۴- تدبیر انجام ندادن کنش تهدید کننده ی وجهه	۷۳
۱۳۷	۷-۴- شماری از ویژگی های زبانی- بیانی ادب رسمی و ادب غیر رسمی	۷۴
۱۳۸	۸-۴- جمع بندی نهایی	۷۵

۱۴۰	پیشنهادات برای بررسی بیشتر ۹-۴-	۷۶
۱۴۱	کتابنامه فارسی	۷۷
۱۴۴	کتابنامه انگلیسی	۷۸
۱۴۹	پایگاه‌های اینترنتی	۷۹

فصل اول: کلیات

"از خدا خواهیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از لطف رب"

بی ادب تنها نه خود را داشت بد
بلکه آتش بر همه آفاق زد
از ادب پر نور گشته این فلک
ادب معصوم و پاک آمد ملک"

(فیضی، ۱۳۲۹: ۴)

۱-۱- مقدمه

"فرشته ی خوش خصالی را از دوران طفولیت می شناسیم که پرتوی انوار کمالش را همیشه در جان و روان خود احساس نموده و درخشندگی جمال دل آرایش را در گفتار و رفتار خود مشاهده کرده ایم. این فرشته نیکو سرشت از دوستان قدیم و یاران ندیم است، نامش ادب و دوستدارانش را مؤدب خوانند، روی ها همه سوی او و دلها در جستجوی او است. واژه ی ادب بسیار زیبا و پسندیده است. خداوند می فرماید: "ما ادب را برگزیده و آن را اخلاق و صفت مقربین درگاه الهی قرار دادیم". ادب جامعه ای است که موافق اقوام جمیع مردم از کوچک و بزرگ است، خوشا به حال کسی که آن را زینت وجود قرار داد و وای به حال کسی که محروم از این فضل بزرگ گردد" (همان، ۶). به طور کلی مؤدب بودن، روش خاصی از رفتار با مردم است؛ به گونه ای که در بیان و عمل به احساسات مردم توجه شود. قسمتی از این رفتار که رفتار زبانی نامیده می شود، گفتار مؤدبانه را تشکیل می دهد. گفتار مؤدبانه را به دو نوع می توان تقسیم کرد: گفتار مؤدبانه مثبت که در آن گوینده با شنونده ی خود به عنوان یک

دوست مورد احترام و علاقه رفتار می کند. در گفتار مؤدبانه ی منفی، گوینده گفتار خود را بر پایه ی عدم تهدید آبروی شنونده تنظیم می نماید.

ادبیات، واژه ی جدیدی است که از قرن نوزدهم پیدا شده است. در گذشته اگر بخواهیم واژه ای برای آن پیدا کنیم، لفظ "ادب" را در می یابیم. واژه ای ادبیات در کشورهای دیگر و در میان کشورهای عربی به کار نمی رود و ظاهراً فقط مخصوص ایران است. در گذشته، "ادب" معنای گسترده ای داشت و معادل دو لفظ فارسی پهلوی و دری بود؛ یکی به معنی "فرهنگ" و دیگری به معنی "آئین" که مجموع اینها، دو ویژگی را نشان می دادند: یکی "آداب دانی" به معنی حفظ تناسب، اندازه و اعتدال در هر چیز است و دیگری "ظرافت کمال مطلوب" به معنی رعایت لطایف و ظرایفی است که در گفتار و کردار اعمال می شود (قریبی، ۱۳۸۶: ۹۶).

۱-۲- معنی علم ادب و انواع آن

"معنی ادب" فرهنگ، دانش، هنر، حسن معاشرت، شیوه ی پسندیده، حرمت و بزم آرائی با سخن و...". است و در اصطلاح، نام دانشی است که پیشینیان آن را شامل این علوم دانسته اند: واژه، صرف، نحو، معانی بیان، بدیع، عروض، قافیه، قوانین خط، قوانین قرائت و بعضی اشتقاق، انشاء و تاریخ را هم بدانها افزوده اند. علم ادب یا سخن سنجی، به نظر پیشینیان عبارت بوده است از "معرفت به

احوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی و خوبی و بدی مراتب آن". از این رو، علم ادب را از لحاظ تأثیری که در باروری ذهن ادب آموز، دانایی و توانایی او در آفرینش آثار ادبی مطلوب و کسب فصاحت و بلاغت، همچنین به سبب اثراتی که در تلطیف روح و شکوفایی فضایل اخلاقی انسان دارد، به "ادب درس" و "ادب نفس" تقسیم کرده اند:

"ادب درس" یا "ادب اکتسابی"، شامل دانشهایی است که بدان اشاره شد. آموختن این علوم به منزله ی ارکان ادب اکتسابی به شمار می رود، از آنجا که ساختمان کلام بلیغ و شیوایی نوشتار و گفتار مبتنی بر آن هاست، فراگیری آنان بر طالبان ادب لازم است. زیرا بدون آشنایی با این علوم نه قدرت تشخیص محاسن و معایب کلام و نقد و ارزشیابی آثار ادبی برای کسی میسر می شود، و نه امکان آفرینش ادبی. اما منظور از "ادب نفس" یا "ادب طبیعی"، تهذیب نفس یا کمال اخلاقی و آراستگی به صفات پسندیده و اخلاق حمیده است که در حقیقت باید هدف و نتیجه ی "ادب اکتسابی" باشد. "ادب نفس"، حاصل جان پاک و دل آکنده ی آدمی از شور و عشق معنوی است و به تعبیری دیگر، این نوع ادب در واقع دریافتنی است نه آموختنی" (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۳).

۱-۳- امام علی (ع) و مفهوم ادب

همان طور که گفته شد واژه ی ادب، که جمع آن آداب است، رعایت لطایف و ظرایفی است که در

گفتار و کردار اعمال می شود تا سخن و عمل، نیکو و ارزش ها پیراسته گردد. پس ادیب کامل و انسان مؤدب، فردی است که در همه ی حالات و شئون زندگی او لطایف و ظرافتهایی ویژه، بروز و ظهور می یابد. "امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید: آداب، بارور کننده فهم ها و مولود ذهن هاست. (الاداب تلخیص الافهام و نتائج الاذهان). منشأ جمیع آداب نیکو، سیره نبوی (ص) و احوال معصومین (ع) است. چه منشأ ادب و اخلاق حضرتش، تربیت الهی اوست چنان که خود فرموده است: مرا پروردگارم ادب آموخته و چه خوب مرا تربیت و تادیب کرده است. (ادببنی ربی فاحسن تادیبی) از این رو، رعایت و حفظ ادب، هم نشانه ی محبت و هم بذر محبت است" (حمزه، ۱۳۸۶: ۵۸ - ۵۷).

۱-۴-۱- تعریف ادب از دیدگاههای مختلف

در زیر تعدادی از تعاریف ادب که در زمینه های گوناگون پرداخته شده است، ارائه می شود:

۱-۴-۱-۱- تعریف "ادب" از دیدگاه زبانشناسی

تعریف ادب به دلیل معنای گسترده ای که در بافت های اجتماعی دارد، بسیار دشوار است. از دیدگاه زبانشناسی، ادب به معنی احترام گذاشتن به وجهه دیگران است. ادب انواع مختلف دارد که بر حسب اینکه کدام وجهه (مثبت یا منفی) را تهدید می کند مورد استفاده قرار می گیرد (Lambert, 1997:4). در صورتی که در مطالعات زبانشناسی اجتماعی، ادب به عنوان روش درست صحبت

کردن در ارتباط با دیگران، در هر دو صورت کلامی و غیر کلامی توصیف می شود (Zhao, 2008: 2).

۱-۴-۲- تعریف "ادب" از دیدگاه سنتی

در دیدگاه سنتی "مؤدب بودن" را معادل "رسمی بودن" تلقی می کردند. اگرچه ممکن است در اغلب موقعیتها این چنین باشد اما، ادب وقتی که لازم باشد به غیر رسمی بودن اشاره می کند. ممکن است رسمی رفتار کردن با بهترین دوست خود کمال بی ادبی باشد در صورتی که غیر رسمی بودن با استاد یا رئیس انسان، امری غیرمؤدبانه تلقی می شود. چیزی که مهم است این است که ببینیم در موقعیتی که قرار داریم چه رفتاری مؤدبانه است (Carlo, 2007:10).

۱-۴-۳- تعریف "ادب" با رویکرد گفتاری و کرداری

"ادب چیزی است که آن را شخص ادیب از مردم می پذیرد و سبب نامیدن آن شخص به این صفت آن است که ادیب مردم را به نیک خوئی دعوت می کند و از اخلاق زشت نهی می نماید. در واقع ادب ملکه ای است که صاحب خود را از آنچه عیب می باشد ننگه می دارد و ادب در واقع آموختن، ریاضت نفس و محاسن اخلاق است. در توضیح ادب به کار بردن گفتار و کردار نیک، دریافتن کارهای پسندیده، بزرگداشت مهتران و بردباری با کهتران معرفی شده است" (یکانی، ۱۳۴۶: ۱۰ - ۹).

۱-۴-۴- تعریف "ادب" در آثار اسلامی

واژه ی ادب در آثار اسلامی به معنی ورزیده شدن در کاری و فراگرفتن رسم و آئین نیکو بوده است و در زبان عربی آن را به صورت آداب جمع می بستند (که به معنی قواعد و اصول به کار می رفت) و مفرد آن در هر دو زبان، به خصوص در زبان فارسی به معنی رفتار و کردار شایسته و پسندیده است (آصفی، ۱۳۳۶: ۱۰).

ابن بتول معتقد است که ادب بخشی از نگرش افراد است که بر اساس آن به دیگران تواضع و فروتنی نشان می دهند، به آرامی صحبت می کنند و با تندی با کسی برخورد نمی کنند. البته باید بین رعایت ادب و چاپلوسی تمایز قائل شد (<http://islamqa.com/en/ref/84124>).

در "مصباح الهدایه" ادب عبارت است از تحسین اخلاق و تهذیب افعال (کاتبی، ۱۳۶۰: ۲۵). در علم ادب تألیف ابراهیم منقح، ادب چنین تعریف شده است: "ادب در واژه، نگاهداشتن اندازه و حد هر چیز را گویند و به معنی دانش و طرز پسندیده نیز آمده است و عرفاً عبارت از نگارش و گفتار نیکو شده است. بعضی ادب را عبارت از معرفت چیزی

دانسته اند که بدان وسیله، از جمیع انواع خطا دوری جسته می شود" (همان، ۲۹).

همچنین در جایی دیگر سید احمد هاشمی بیان می کند: "ادب دانستن هر آن چیزی است که بدان از انواع خطا احتراز می شود و بر دو قسم است: فطری

و کسبی. "فطری"، اخلاق و صفات پسندیده است که در نهاد انسان به ودیعت نهاده شده است، مانند کرامت و بردباری. "کسبی"، چیزی است که با درس و حفظ و نظر بدست آید.

انتقادی که بر تقسیم ادب به فطری و کسبی وارد است این است که هاشمی ادب نفس را طبیعی و ذاتی دانسته است و ادب درس را هم اکتسابی می داند. و حال آنکه هر یک از این دو یعنی ادب نفس و ادب درس هم جنبه ی فطری و ذاتی دارد و هم جنبه ی اکتسابی؛ به این معنی که اخلاقیات، در طبیعت انسان پاره ای بر اثر توارث، عوامل زیستی و آفرینش وجود دارد و تکمیل می شود و پاره ای بر اثر تربیت و تأثیر محیط کسب می گردد. ادب درس نیز همین وضع را دارد که پاره ای از آن مانند ذوق هنر و استعداد ادب مثل شعر، موسیقی، زیبایی شناسی و قریحه ی نویسندگی از فطرت سرچشمه می گیرد و بخشی دیگر مانند واژه، دستور زبان، تاریخ و نظائر اینها از راه یادگیری و تحصیل بدست می آید (همان، ۴۳).

۱-۴-۵- تعریف ادب از دیدگاه های افراد دیگر

- چوسری (Choosri) ادب را به عنوان تشخیص فرد از خویشتن شناسی عمومی افراد در ارتباط با دیگری بررسی می کند. در این مفهوم، ادب بر اساس فاصله یا نزدیکی اجتماعی تعریف نمی شود بلکه توسط موقعیت نسبی فرد در رابطه ی طبقاتی و اجتماعی فرد تعریف می گردد (Choosri, 2007: 9).

- اوکوساکول (Ukosakul) ادب را به عنوان یک رفتار مناسب و صحیح اجتماعی تعریف می کند (Ukosakul, 2007: 2).
 - میلز (Mills) ادب را بیان مقصود شنونده می داند، که بر اساس آن فرد سعی می کند مقصود خود را طوری بیان کند تا وجهه ی شنونده کمتر مورد تهدید واقع شود (Mills, 2003: 6).
 - الن (Elen) دو نگرش عمده به ادب دارد که تحت عنوان "ادب (۱)" و "ادب (۲)" به آنها پرداخته است. ادب (۱) به مفهوم عمومی ادب اشاره می کند اما ادب (۲) به مفهوم علمی ادب می پردازد. چیزی که در این دو مفهوم اهمیت دارد، تفاوت مفاهیم و نامهای آنها نیست، بلکه رابطه ی میان این دو مفهوم است که دارای ارزش است و باید به آن توجه شود (Eelen 2001: 31).
- ادب (۱) دو جنبه دارد:
- ۱- جنبه ی اجرایی است که به روشی اشاره می کند که ادب در رفتار اجتماعی بروز پیدا می کند.
 - ۲- جنبه ی مفهومی که اشاره به تئوری های رایج ادب می کند.
- ویژگی های ادب (۱) شامل موارد زیر می شود:
- i. ادب و بی ادبی با ارزش های اجتماعی ارتباط دارد و ذاتاً قابلیت ارزیابی دارد.